مقصر دستمزد نجومی تعدادی از هنرمندان پلتفرم‌ها هستند؟

بازار بازیگر حباب دارد

محمدحسین سلطانی
خبرنگار

تصویر یک کارخانه «ورشکسته» را به ذهنتان بیاورید. فن کارخانه قژقژ می‌کند، کارگری در کارخانه نیست، روی دستگاه‌ها خاک نشسته و صاحب کارخانه‌ای مقابل حجمی از چک‌های برگشتی منتظر است تا بانک همه زندگی‌اش را توقیف کند، انگار تمام زندگی صاحب کارخانه به «غارت» رفته. اجازه دهید روی این واژه یعنی «غارت» بایستیم و به سراغ یک نقل قول برویم، نقل قولی از ابوالحسن داوودی، سازنده «هزارپا و رخ دیوانه»: «جریانی که پلتفرم‌ها را شکل داد، خشت اول را بنیان گذاشت. سرمایه‌های آن‌ها مشکوک و مبهم بود و الان ما با مجموعه‌ای روبه‌رو هستیم که نه‌تنها کمک‌حال سینما نیستند بلکه سینما را «غارت» می‌کنند.»

غارتگر یا ورشکسته؟

برای درک بهتر صحبت‌های داوودی بهتر است نگاهی به بیلبوردهای تبلیغاتی سطح شهر تهران بیندازیم. با چرخاندن ۴۵ درجه سر در یکی از خیابان‌های اصلی تهران، پوستر چند اثر نمایش خانگی دیده می‌شود و سهم فیلم‌های سینما (غیر کمدی) از تبلیغات شهری تقریباً صفر است. البته صحبت‌های داوودی درباره وضعیت کنونی نمایش خانگی به این اینجا خلاصه نمی‌شود: «من بعد از ۷ سال نمی‌توانم فیلم بسازم. بازیگران توسط پلتفرم‌ها آنگاژه شده‌اند و در انحصارند. شما وقتی حساب و کتاب می‌کنی می‌بینی که اینها (پلتفرم‌ها) حتی به پول خودشان هم نمی‌رسند، پس این یک صنعت «ورشکسته» است.» با کنار هم قرار دادن دو کلمه غارت و ورشکسته، همان تصویر ابتدایی که شرحش دادیم، مصداق پیدا می‌کند، مصداقی که به راحتی می‌تواند از طرف صاحبان پلتفرم‌ها، محکوم به سیاه‌نمایی شود، برای همین باید آنچه را داوودی بیان کرده مورد راستی‌آزمایی قرار دهیم.

از آنجایی که پلتفرم‌های نمایش خانگی علاقه و تمایلی به شفافیت ندارد، نمی‌توان عدد واضحی از چرخه این پلتفرم‌ها و یا بنا بر گفته داوودی، این صنعت ورشکسته درآورد، با این حال گمانه‌زنی‌های اطراف پلتفرم‌ها، حرف‌های داوودی را چندان هم دور از ذهن نمی‌دانند.

هزینه ساخت بالا، دستمزدها بالاتر

حدود سه سال قبل، «فرهیختگان» از زیر زبان یکی از مدیران سینمایی حداقل مبلغ دستمزد سال ۱۴۰۰ را کشید: «برخلاف آثار سینمایی که هر بازیگری می‌تواند رقمی را به تهیه‌کننده پیشنهاد کند، در شبکه نمایش خانگی، تقریباً نمودار منظمی برای دستمزد بازیگران وجود دارد. به این ترتیب که بازیگران خیلی چهره و موردعلاقه مردم که تعدادشان به عدد انگشتان دست هم نمی‌رسد، هر ماه ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان می‌گیرند.» رقم نهایت ۵۰۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۰، به تناسب افزایش قیمت‌های ساخت سریال بالا رفت و اوایل امسال خبری منتشر شد مبنی بر اینکه بخش مهمی از بازیگران نمایش خانگی، رقم‌های قرارداد خود را به دلیل طولانی شدن پروژه‌ها و تغییر قیمت ارز در طول سال به دلار می‌بستند. رقم تقریبی ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد تومان در سال اخیر برای تولید یک اثر عملاً به رقمی معمولی برای تولید یک اثر درآمده است. این درحالی است که پیش از همه‌گیر شدن پلتفرم‌های نمایش خانگی در دوران کرونا، این پلتفرم‌ها کمتر یا هم‌اندازه سینما مبالغی را پرداخت می‌کردند. البته به غیر از چند اثر معدود که داوودی هم آن‌ها را آثاری با منابع مالی مشکوک می‌داد. اما پس از سال ۱۴۰۰ ناگهان رقم قراردادها سر به فلک کشید. در یک مورد از این قرار دادهای پلتفرم‌ها، رقم ۵ میلیارد برای هر قسمت ثبت شده که یعنی اگر آن اثر حدود ۱۲ قسمت به طول بینجامد، آن بازیگر مطرح حدود ۶۰ درصد از نمایش خانگی درآمد کسب کرده است. با این حال مسئله اصلی در پلتفرم‌های نمایش خانگی که داد فرهنگ را در آورده، موضوع میزان قراردادها نیست. بلکه مسئله اصلی اثری است که این قراردادها رو سینما می‌گذارد و به نوعی آن را غارت می‌کند. امیرعباس ربیعی، کارگردان فیلم «ضد» و «لباس شخصی» در گفت‌وگویی از انحصاری می‌گوید که دستمزدهای نجومی پلتفرم‌ها آن را پدید آورده: «وقتی حداکثر ۴۰ تا ۵۰ بازیگر در سینمای ایران داریم که در تمام فیلم‌هایی که تولید می‌شوند، حضور دارند، وقتی رقابتی نباشد تا بازیگر برای رسیدن به نقش زحمتی متحمل شود، وقتی دستمزد آنقدر بالا و خلاف عرف است، این روند باعث متضرر شدن سینما می‌شود. از این جهت است که می‌گویم انحصار فساد می‌آورد. ما باید درها را باز کنیم تا سالانه چند بازیگر با استعداد و خوب وارد سینما شوند.»

با نگاهی به آثار چند وقت اخیر این پلتفرم‌ها، انحصار به وضوح دیده می‌شود. البته حضور تکراری افراد در شبکه‌های نمایش خانگی موضوع تازه‌ای نیست و در سال‌های اخیر این موضوع مکرراً تکرار شده است. در آثاری که امسال در نمایش خانگی پخش شده، این بازیگران هم به‌عنوان بازیگران چند اثره دیده می‌شوند، افرادی همچون سحر دولتشاهی، مهرداد صدیقیان، پوریا رحیمی‌سام، مهدی حسینی‌نیا، سمیرا حسن‌پور، ترلان پروانه و مهران مدیری. این افراد که برخی از آن‌ها، همکاری‌هایشان تنها به یک پلتفرم محدود می‌شود و اثری با دیگر پلتفرم‌ها نمی‌سازد. این موضوع را برخی به حق انحصاری برخی پلتفرم‌ها با بازیگرانی خاص دارد. انحصار ایجاد شده در این پلتفرم‌ها باعث شده تا بازیگران محدودی بتوانند در چرخه سینما و پلتفرم‌ها قرار بگیرند. اتفاقی که حاصل آن شده بیرون افتادن بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده بازیگری از صحنه هنر کشور. البته مسأله انحصار تنها به افراد محصور نمی‌شود و پایش به باقی زمینه‌ها هم کشیده شده است. یکی از بارزترین نمونه‌های این انحصارها مسئله انحصار در محتواست. اصولاً وقتی پول‌های کلان پشت آثار فرهنگی قرار می‌گیرند، منطق بازار را هم با خود وارد می‌کنند. منطقی که می‌گوید، آنچه باید تولید شود که بیشتر ظرفیت دیده شدن و یا به‌اصطلاح وایرال شدن را داشته باشد. به همین دلیل در چند وقت اخیر، میل به آثار جنایی و یا کمدی اصل بازار نمایش خانگی را در دست گرفته است. دامنه این انحصار به سینما هم کشیده شده با این تفاوت که ردپای جنایی‌ها در آثار سینمایی دیده نمی‌شود. با این حال هنوز اصلی‌ترین مشکل نمایش خانگی مسئله انحصار در بازیگران و ژانر نیست، بلکه باید اصل ماجرا را در جای دیگری پیدا کرد.

دخلشان چیست که به خرجشان نمی‌خورد؟

برای بررسی دقیق‌تر وضعیت مالی پلتفرم‌ها باید به سه راه به درآمدزایی این پلتفرم‌ها اشاره کنیم؛ اولین طریق درآمدزایی پلتفرم‌ها از راه تبلیغات است. تبلیغاتی که با قانون و بی‌قانون، قبل، بعد، حین و حتی در میانه اثر جا می‌گیرند. دومین درآمدزایی از محل اشتراک است، اشتراک‌هایی که هر سال و حتی هر شش ماه یک‌بار افزایش پیدا می‌کنند. مورد جالب این افزایش درآمدها در بلیت‌های اکران آنلاین پلتفرم‌ها اتفاق افتاد، زمانی که تنها گمانه‌زنی‌هایی پیرامون افزایش قیمت بلیت در سینما رواج پیدا کرده بود، پلتفرم‌های نمایش خانگی، پیش‌قدم شدند و قیمت اکران آنلاین را به یکباره افزایش دادند، اتفاقی که باعث شد در اتفاقی عجیب بلیت اکران آنلاین از قیمت بلیت سینما گران‌تر شود. سومین راه درآمد پلتفرم‌ها از محل ترافیک اینترنتی است که به‌نظر می‌رسد دربرابر درآمد حاصل از مورد اول چندان به چشم نمی‌آید. تبلیغات در پخش رئالیتی‌شوها یا سریال‌ها باعث می‌شود که درآمد قابل توجهی برای پلتفرم ایجاد شود. تبلیغاتی که بی‌توجه به مدل‌های مشابه خارجی و قواعد بالادستی، به شکلی بی‌قاعده تبلیغ پخش می‌کند. این مسئله به موضوعی تکراری تبدیل شده است که تمام کشورهای صاحب پلتفرم در جهان هنگامی که اشتراکی به فروش می‌رسانند دیگر در میانه اثر تبلیغ پخش نمی‌کنند، با این حال پلتفرم‌های نمایش خانگی ایرانی خود را تافته جدا بافته می‌دانند و در هر جایی از اثر تبلیغ پخش می‌کنند.

چپاندن تبلیغ نشان از بی‌پولی ماست

همین مسئله یعنی قرار دادن تبلیغ به هر شکل ممکن در اثر، مخاطب را به گزاره داوودی نزدیک می‌کند، گزاره‌ای می‌گفت پلتفرم‌ها ورشکسته هستند و یا با نگاهی همراه با اغماض یا نزدیک به ورشکستگی. جدای از مدل تبلیغات، عدم هزینه برای آثار خلاقانه و تکرار مؤلفه‌های حساب پس داده شده، در ژانر و باقی موضوعات نشان از وضع بد این پلتفرم‌ها دارد. پلتفرم‌هایی که خود را در یک چرخه معیوب انداخته‌اند. چرخه‌ای که از یک سو نیاز سیری‌ناپذیری به بازیگران شناخته‌شده دارند و از طرف دیگر برای نگه داشتن آن‌ها باید خرج‌های میلیاردی کنند و درنهایت نمی‌توانند سرمایه هزینه‌شده را برگردانند.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شود این پلتفرم‌ها در چنین چرخه معیوبی بمانند، خرج نکردن بر اساس دخلشان است. دخلی که در همه جای جهان بر اساس میزان درآمد حاصل از فروش اشتراک پر می‌شود، اما در ایران تنها پاشنه آن روی حضور چهره‌ها و تبلیغات بی‌حصر می‌چرخد. پاشنه‌ای که معلوم نیست تا کی پشت عدم شفافیت پنهان بماند.

حامد عسکری، نویسنده در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مظلومیت فلسطین را باید در صفحات کتاب جار زد

«مسئله فلسطین مسئله‌ای انسانی است.» این را با اطمینان می‌گوید و بعد به سراغ کتابی می‌رود که به تازگی نوشته است. حامد عسکری، نویسنده و شاعر این بار برای نوشتن داستان جدیدش به سراغ موضوعی رفته که برای همه دنیا مهم است. «خاکستر گنجشک‌ها» کتاب جدید اوست؛ روایتی از غزه و جنایت‌هایی که رژیم جعلی انجام داده است. وقتی از دلیل نوشتن این کتاب می‌پرسیم، می‌گوید در کتاب روایت کردم و نوشتم که چه اتفاقی باعث نوشتن این داستان‌ها شد. من آن شب سر ضبط برنامه‌ای بودم. گفت‌وگو داشت خوب پیش می‌رفت. یکهو کارگردان کات داد و بعد نشست و چشم‌هایش خیس شد. گفتم: «چیه علیرضا؟ خوب بودیم که!» با اشک گفت: «به اهالی غزه گفتن برید بیمارستان، می‌خواهیم یه جاهایی رو بزنیم. مردم که رفتن توی بیمارستان، بیمارستان رو زدن. تا الان ششصدوپنجاه نفر...» زانوهایم می‌لرزید. باورم نمی‌شد. حرامزادگی تا این حد؟! سرتاپا خشم و دندان قروچه بودم. همه تصویرهایم از این غصب هفتادساله در ذهنم مرور شد. من عاشق فلسطین و مردمش بودم و هستم و این خبر پتکی بود بر سرم. دو سه تا سفر داشتم، لغو کردم و نشستم به نوشتن. وقت نداشتم. همیشه دیر است. این‌هایی که می‌خوانید را در همین ایام نوشته‌ام، همین ایامی که پشته پشته کشته از فلسطین خاکستر می‌شود و جفتگیری قورباغه‌ها در پاییز، برای یورونیوز ارزش خبری بالاتری دارد تا تیتر یک و عکس یک شدن، تا کشته شدن هفت هزار انسان که دوهزارتایشان کودک بوده‌اند. می‌فهمید؟ کودک! برای اینکه از کتاب جدیدش بیشتر بدانیم به سراغ او رفتیم تا روایتش از نوشتن «خاکستر گنجشک‌ها» را بشنویم.

چه چیزی باعث شد کتاب خاکستر گنجشک‌ها را بنویسید؟

شبی که بیمارستان المعمدانی را زدند، حالم خیلی بد شد و احساس بسیار بدی داشتم. دچار خشم عجیب‌وغریبی شدم و به دفترم رفتم و پس از شش شب از دفتر بیرون آمدم و کتاب خاکستر گنجشک‌ها متولد شد. چند وقتی کار را کنار گذاشتم و دوباره به سراغش رفتم و تولید و بازنویسی کردم. چیزهایی کم و اضافه شد و حاصلش خاکستر گنجشک‌ها شد.

کمی از این کتاب برایمان بگویید.

این کتاب چندین داستان کوتاه با موضوع فلسطین و غزه و فضای مقاومت دارد؛ اما خاصیتش این است که راوی و مشاهده‌گر این قصه‌ها، فقط در خانه‌های اهالی فلسطین نیست؛ بلکه گاهی در خانه اهالی رژیم غاصب صهیونیستی و گاهی در خارج از مرز فلسطین و کشورهای حوزه مقاومت است و من در این کتاب سعی کردم نگاهی جهانی داشته باشم.

بعد از دریافت خبر برگزیده شدن کتابتان در جایزه‌ای در سطح بین‌المللی چه حسی داشتید؟

از منظر اینکه برای کشورم افتخاری را کسب کردم و نام کشورم را بلندآوازه‌تر کردم، حس خوشایند و خوشحال‌کننده‌ای داشتم؛ اما در نگاه شخصی و جهان درونی خودم، یک ربعی نشاط و شعفی در جان من ریخته شد ولی بعدش احساس ترس و اندوهی بود که با خود داشتم؛ چراکه پس از این جایزه، رسالت و وظیفه‌ام سنگین‌تر شد و مسئولیت بیشتری بر دوشم افتاد.

در سال‌های قبل و پس از انقلاب، یک غفلت تاریخی در تولید کتاب‌های ادبی در حوزه مقاومت صورت گرفته است. به نظر شما وجود جایزه جهانی ادبیات فلسطین تا چه اندازه در پرکردن این خلأ تاریخی تأثیر دارد؟

کتاب‌های تولیدشده و نویسنده‌های خوبی داشتیم؛ اما نمی‌توان از اسم‌های بزرگی که با احساس وظیفه شخصی درونی و وجدانی زحمت تولید آثاری را کشیده‌اند، غافل شد. جایزه جهانی ادبیات فلسطین حتماً اثر دارد و مشوق خوبی است و هنرمندان را در سطح بین‌الملل مطرح و تشویق می‌کند. اگرچه نمی‌توان گفت ادبیات ما به قبل و بعد از این جایزه تقسیم می‌شود. با توجه به اینکه دومین دوره جایزه جهانی ادبیات فلسطین برگزار شد، هنوز بسیار زود است که بخواهیم درباره این مسئله صحبت کنیم و تصمیم بگیریم و ببینیم که به چه میزان در تولید کمی و کیفی اثرگذار است.

اهمیت روایت فلسطین در بستر کتاب، در مقایسه با انواع دیگر رسانه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کتاب فضایی دارد که عنصر خیالش از انواع دیگر رسانه‌ها قوی‌تر و بیشتر است. اهمیت دیگرش این است که نوشتن، هنر ارزانی در مقایسه با سینما و موسیقی است و اتفاقاً تولید سریع‌تری نسبت به بقیه هنرها دارد. ضمن اینکه شما عنصر خیال را دارید و در یک امنیت، خلوت و حضور می‌توانید در مقایسه با سایر هنرها آثار بسیار زیادی را تولید کنید. آدم‌های متعددی را که سرشار از قصه و روایت و مشاهده‌گری هستند، می‌توانید جلویتان بنشانید و یک اثر عجیب‌وغریب خلق کنید؛ اما از این هنر ارزان باید حمایت شود و مشوقی وجود داشته باشد؛ چراکه نویسنده وقت و عمرش را می‌گذارد و اثری را تولید می‌کند. ان‌شاءالله همان‌طور که مجمع ناشران انقلاب اسلامی در این زمینه زحمت کشیده است، از این به بعد نیز این تلاش ادامه‌دار باشد.

از دیدگاه شما، ادبیات چه نقشی در بازگشت مسئله فلسطین به کانون توجهات مردم جهان دارد؟

قصه عموماً جذاب است؛ چراکه مردم با قصه به دنیا می‌آیند و بزرگ می‌شوند و رشد می‌کنند و با قصه گره می‌خورند. به همین جهت اگر آثار خوب و جذاب تولید شوند و در فرایند تولید، حواس نویسنده به مخاطب باشد و در خلأ ننویسد، قطعاً جامعه اقبال نشان خواهند داد. فلسطین نیز مسئله‌ای جهانی است. تلفیق قصه و فلسطین یک آینه در مقابل آینه قرار گرفتن و بی‌نهایت نشان دادن است.

چگونه می‌توان مسیر تولید کتاب و آثار ادبی با موضوع فلسطین را تقویت کرد؟

مسئله فلسطین مسئله‌ای انسانی است. ما در کشورمان بحث شرعی و عقیدتی و ایدئولوژیک نیز به آن داده‌ایم. ما شیعه رسول‌الله هستیم که فرمودند: «هرکس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد بشنود، اما به یاری آن مظلوم برنخیزد، مسلمان نیست.» این‌ها رسالاتی را ایجاد می‌کند که موجب می‌شود همیشه فلسطین هشتگ و مسئله باشد. بنده بسیاری از هنرمندانی را می‌شناسم که فلسطین برایشان مسئله است، نجس بودن اسرائیل برایشان مسئله است؛ اما به واسطه یک‌سری ملاحظات ممکن است به این سمت نیایند. هرچقدر این جایزه سعی کند و تصمیم بگیرد به سمت مسائل اخلاقی و انسانی برود و نگاه جهانی مردم دنیا را در نظر بگیرد، موفق‌تر خواهد بود و رویکرد و اقبال بیشتری خواهد داشت. ان‌شاءالله که هنرمندان برای تولید پای کار بیایند و موفق‌تر و بهتر بتوانند فعالیت کنند.

به نظر شما رسالت اهالی قلم در مسئله فلسطین چیست؟

فلسطین مسئله‌ای دردناک است و اسرائیل ظلمی عیان و تجاوزش آشکار و علنی است. به همین دلیل، زشت و قبیح است که آیندگان ما را قضاوت کنند و بگویند در زمانه‌ای که کثافتی به اسم اسرائیل وجود داشت، شما نشستید و دم نزدید و از کنارش رد شدید. اگر آینه وجدان را جلوی رویمان بگیرند، روزگار و دادگاه سختی خواهیم داشت؛ چراکه در این روزها بچه‌های بسیار زیادی در حال کشته شدنند و در این سرما، ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی یک زندگی را ندارند. کاری به مطبوعات و سینما و تئاتر و بازی فکری و کتاب داستان و قصه شب ندارم؛ اگرچه این‌ها هم نیاز آن‌هاست. مردم غزه الان آب و نان و شیرخشک برای بچه‌هایشان ندارند و این مسئله بسیار دردناک است و باید فریاد زده شود. باید در صفحات کتاب جار زد و اعتراض کرد که وجدان آدم را آرام کند.

پیام یا سخنی با نویسندگانی که در قبال فلسطین احساس تعهد می‌کنند، دارید؟

من نمی‌توانم برای وجدان و احساس نویسنده تعهد ایجاد کنم؛ اما حداقل این است که بخوانند و با واقعیت قصه فلسطین مواجه و آگاه شوند. از رسانه‌ای که به صورت هدفمند ذهن افراد را درگیر می‌کند و در مقابل ریختن خون بچه‌ها، ذهن‌ها را منفعل و بی‌اراده می‌کند، باید فاصله گرفت و به سمت شناخت واقعی فلسطین و اسرائیل رفت. این خودش قدم بزرگی است. همین که در همه لحظات زندگی اسرائیل را محکوم کنیم و دلمان برای غزه و فلسطین بسوزد و ناراحت شویم، یعنی یک وجدان بیدار داریم و انسانیت درون ما هنوز زندگی می‌کند.

یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE